رویداد

پنجمین جلسه رسیدگی به اتهامات حسین هدایتی برگزارشد

هدایتی: تنها یک ملک خریدم و وام گرفتم

پنجمین جلسه رسیدگی به اتهامات حسین هدایتی و ۱۰ متهم دیگر به اخلال در نظام اقتصادی صبح دیروز برگزار شد. به گزارش «ایسنا»، قاضی مسعودی‌مقام در ابتدای این جلسه، پس از تفهیم مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری به متهمان حاضر در جلسه اظهار کرد: «جلسه دادگاه رسمی است». در جلسه قبل آقای حسین هدایتی دولابی بخشی از دفاعیات خود را در قالب آخرین دفاعیات بیان کردند. هدایتی در بخش‌هایی از دفاعیات خود گفت: «در ۴۰ سال فعالیت اقتصادی در حوزه کشاورزی، تولید، به‌ویژه پرورش میگو بار نظام بودم و در دوران دفاع مقدس در جبهه‌ها حضور داشتم». او افزود: «بنده تنها یک ملک خریدم و وام گرفتم. در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۹۵ درحالی‌که هنوز سررسید وامم نرسیده بود، بانک سرمایه اقدام به تشکیل پرونده کرد. بنده استعلام کردم گرفتن وام از بانک جنبه کیفری ندارد و جرم نیست. اگر کارشناسی املاک نیز اشتباه بوده آن هم جرم نیست. مگر اینکه تبانی رخ داده باشد». او ادامه داد: «آقای تاج از بنده دو میلیون دلار پول گرفته است که آن را هم تأیید کرد. چند بار به آقای تاج گفتم که از سیاه و دادستانی مجوز بگیرم که از من پول می‌گیری، اما او گفت که بنده اسم سیاه را به نفر را برای دریافت پول معرفی کرده‌ام که آنها گفته‌اند فقط از حسین هدایتی پول بگیرد». قهرمانی، نماینده دادستان نیز در این جلسه گفت: «درمورد بانک سرمایه که حدود ۴۰۰ متهم دارد، بخشی از متهمان متواری هستند. ولی پرونده‌شان در مسیر رسیدگی است. بخشی از متهمان هنوز بعد از ۱۰ سال در بازداشت‌اند و بقیه‌شان در نوبت رسیدگی است. افراد دیگری مانند آقای «م.الف» که یکی از مفسدان بانک سرمایه است، در مجموع ۱.۵ میلیارد تومان تحصیل مجرمانه داشته است. مبالغی را به خارج از کشور برده‌اند و این پرونده در پیچ‌وخم زیادی قرار دارد. برای هشت مدیر بانک سرمایه کیفرخواست صادر شده است و ۳۳ مدیر دیگر کیفرخواستشان بعد از تعطیلات صادر می‌شود. آقای رضوی هم کیفرخواستشان در مسیر داده‌اند است». قهرمانی در توضیح اتهام اخلال عمده در نظام اقتصادی منتسب به هدایتی، گفت: «قبلا در پرونده آقای هدایتی بحث اخلال مطرح نبود. ما تعاملاتی با بانک مرکزی داشتیم و گفتیم به‌عنوان بزرگترین نهاد پولی کشور آیا این پول، نظام پولی کشور را دچار اخلال می‌کند یا خیر؟ بانک مرکزی اعلام کرد و گفت سال ۹۲ اکسر ۴۰ میلیارد پول خلاف مسیر مصوبه خودش باشد. اخلال در نظام است. در سال ۹۵، این مبلغ ۵۰ میلیارد بوده، شما از شهریور ۹۲ تا اردیبهشت ۹۵ مبلغ ۵۸۶ میلیارد را از بانک بردید و بانک مرکزی اعلام کرده اقدام آقای هدایتی موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور شده است. تعیین عنوان اخلال منتسب به آقای هدایتی، تشخیصش بر عهده ناظر عرفی یعنی بانک مرکزی بوده است». مسعودی، قاضی پرونده در پایان گفت: «با توجه به اینکه اتاق بازرگانی، تشخیصش بر عهده ناظر عرفی یعنی بانک مرکزی بوده است». مسعودی، قاضی پرونده در پایان گفت: «با توجه به اینکه اتاق بازرگانی، تشخیصش بر عهده ناظر عرفی یعنی بانک مرکزی بوده است، و با شجاعت تمام سخن خود را در دفاع از مصالح ایران و ایرانی بیان می‌کنید. او تنها کسی بود که در مجلس شم به سلامت رضاشاه قسم نخورد.

محمود نکوروح: مهندس بازرگان در جلسه افتتاحیه نهضت آزادی ایران در سال ۴۰ گفت ما مسلمان، ایرانی و مصدقی هستیم و سپس مصدقی‌بودن را توضیح داد و گفت: «...مصدقی هستیم و مصدق را از خادمین برترِ افتخارات ایران و شرق می‌دانیم. ما مصدق را به‌عنوان یگانه رئیس دولتی که در طول تاریخ ایران محبوب و مظلوم واقعی اکثریت مردم بود و قدم در راه خواسته‌های ملت برداشته، توصیف بیوند بین دولت و ملت را برقرار سازد و مفهوم واقعی دولت را بفهمانند و به بزرگ‌ترین موفقیت تاریخ اخیر ایران یعنی شکست استعمار نائل گردد. تحلیل می‌کنیم و به این سبب از (تز) و (راه مصدق) پیروی می‌کنیم...». این سخن مهندس بازرگان نشان از آن دارد که عمل مصدق در روزگار امروز آشنا شویم. لازم است زندگی او در سه مقطع تولد تا نخست‌وزیری، دوره ۲۸ماهه دولت او تا کودتای ۲۸مرداد سال۳۲ و پس از کودتا تا درگذشتش در سال ۴۵ بررسی شود. او در انقلاب مشروطیت حدود ۲۵ سال داشت و به‌عنوان یک جوان کاملا در جریان رویدادها و وقت قرار داشت و مطالبات مردم در انقلاب مشروطه را به‌طور کامل لمس می‌کرد. مصدق با چنین دید وسیعی وقتی در مجلس بحث رأی به تغییر رژیم مطرح شد، با توجه به نقش بیگانگان، به آن رأی مثبت نداد؛ درصورتی‌که حتی رأی آیت‌الله کاشانی نیز مثبت بود. مصدق از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۷ مسئولیت‌های متعددی را بر عهده داشت و تا پیش از سلطنت رضاشاه، در سمت‌های مختلفی قرار گرفت و شناخت عینی از مسائل ایران داشت و با چالش‌های گوناگونی مواجه شد. او هیچ‌گاه تسلیم رضاشاه نشد و از سال ۱۳۰۷ تا شهریور۱۳۲۰ در تبعید بود و خانه‌نشین شد. از سال ۱۳۲۰ که قدری فضا باز شد تا مجلس شانزدهم، شرایط جدیدی را تجربه کرد. وقتی او پیشنهاد ملی‌شدن صنعت نفت مطرح شد، همه فکر می‌کردند مانند سابق مخالفت می‌کند؛ اما در کمال تعجب، این موضوع را پذیرفت. مشروط به آنکه قانون ملی‌شدن صنعت نفت و خلع ید تصویب شود. مرحوم مصدق دو محور کلی را برای برنامه خود تبیین کرده بود: نخست اجرای قانون ملی‌شدن صنعت نفت و دوم اصلاح قانون انتخابات مجلس و شهرداری‌ها. همان‌طور که آقای مجلسی اشاره کرد، مصدق با اجرای قانون ملی‌شدن صنعت نفت سلطه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انگلستان را قطع کرد؛ مصدق‌ها که در همه‌جا وجود داشت. او اصرار بر ملی‌شدن نفت داشت تا ملت ایران باور کند می‌توانند روی پای خود بایستند و می‌دانست پیش‌نیاز آن حاکمیت مردم بر سرنوشت خود است و ازاین‌رو مترصد اصلاح قانون انتخابات بود. مصدق می‌خواست «بلدیه» و مدیریت شهری به معنای واقعی خودش شکل بگیرد و مردم شهرها را خود اداره کنند؛ موضوعی که هنوز نیز محقق نشده است. دکتر مصدق به‌شدت خواستار تحقق اصولی مانند آزادی، حاکمیت ملی، عدالت اجتماعی و احیای هویت ملی بود و می‌دانست تا زمانی که تحول اجتماعی ایجاد نشود، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود. نگاه دکتر مصدق با جوان‌هایی مانند دکتر فاطمی تفاوت داشت و می‌خواست آگاهی مردم گام‌به‌گام بالا برود. مصدق تمام تلاش خود را کرد تا شاه فقط سلطنت کند و مردم به‌تدریج حاکمان واقعی بر سرنوشت خود باشند.

★ یکی از موضوعاتی که در خوانش ملی‌شدن صنعت نفت به‌چشم می‌خورد، نگاه صفویکی به مسیری است که دکتر مصدق طی کرد. تا چه میزان روند ملی‌شدن نفت ایران مصون از قداست‌گرایی یا کینه‌توزی نسبت به شخص مصدق است؟

مجلسی: لازم است که با بعضی از مسائل تاریخی با نگاهی عینی‌تر مواجه شویم؛ برای مثال آقای ترکمان می‌گوید که در کاشانه مصدق هیچ لکه ننگی وجود ندارد. این سخن را می‌پذیرم و قبول دارم که هیچ‌وقت در زندگی او در سه مقطع تولد تا نخست‌وزیری، دوره پذیرش این موضوع به‌معنای آن نیست که او هیچ اشتباهی نکرده است. او در شورای امنیت مسئله ملی‌شدن نفت را مطرح کرد و با مخالفتی مواجه شد و کارم مهم او در این نهاد، بین‌المللی کرد به کرای تخستین‌بار ایران موضوع را مطرح کرد. وگرنه بحرین، کویت و عربستان نیز با تحولات متعدد و در طول زمان، نفت را ملی کردند. حتی این فرهنگ دیالی‌جان نایلوئی که همه چیز زیر سر انگلیس‌ها دانسته می‌شود نیز نتیجه همین جرقه‌های تاریخی است که بر مردم ایران رفت و از سوی دیگر خیلی‌ها در تحولات افراطی افراطی مانند جلال آل‌احمد نیز واکنش‌هایی به همان تحقیرهای تاریخی است. در مطالعه و بررسی ملی‌شدن صنعت نفت، باید دید آیا اصل مصدق حق داشت نفت را ملی کند یا خیر؟ باید پاسخ این پرسش مثبت است؛ او نه‌تنها حق داشت بلکه این حق را از حق انگلیس‌ها باز گرفته بود؛ به‌نحوی‌که انگلیس‌ها بارها این کار را انجام داده بودند و حتی انتخابات مرکزی مرکزی، بنابراین مصدق گفت که نمی‌شود یک پام و دو هوا رفتار کرد و ما هم این حق را داریم که نفت خود را ملی کنیم. همین اصل مصدق هم از حیث بین‌المللی و هم از حیث منابع علم حقوق درست بود؛ هرچند در روند ملی‌شدن نفت، انتظاهای متعددی به سیاست‌های مصدق وجود دارد که در خلال بحث خواهم گفت.

محمد نکوروح: سخن آقای مجلسی درست است و تاریخ ایران همواره راجع‌ها داشته است که ایران را در بحران‌های متعدد تحت فشار داده‌اند؛ قائم‌مقام و امیرکبیر و پیش از آنها نمیکبان، نوبختیان، خواجه نصیرالدین طوسی و... از آن دست رجال محسوب می‌شوند و تردیدی در این موضوع وجود ندارد؛ اما دکتر مصدق را در میان تمام رجال مشاوران ایران، بی‌بدیل می‌دانم. او علاوه بر اینکه یک رجل بادانش و میهن‌دوست بود، خود را به رعایت اخلاق سیاسی به‌شدت متعهد می‌دانست و از سوی دیگر از دنیای غرب آیتی داشت و علیه و تجربه خود را در خدمت ملت و کشور ایران قرار می‌داد. علاوه بر تمام اینها، نام مصدق با پاکدستی گره خورده است. دکتر مصدق هیچ‌گاه اصول خود را کنار نمی‌گذاشت و حتی وقتی قرار شد کلاه پهلوی بر سر گذاشته شود تا جد ماه از خاطه بیرون نیامد تا ایشان از این موضوع به صورت قانون درآمد و او را به‌زور با آن به‌اعوان کار امر واقع پذیرفت. اینها باعث شده است امروز مردم به‌صراحت پیوسته دولتمردی با چنین مختصاتی در تاریخ معاصر ایران به‌جز از نمی‌شناسیم. مصدق عصاره فرهنگ، تیزهوشی و میهن‌دوستی ایرانی است. وقتی مصدق در دوران استبداد رضاخانی در مجلس سخن می‌گفت، گویی چوبه دار خود را روی دوش حمل می‌کرد. او با شجاعت تمام سخن خود را در دفاع از مصالح ایران و ایرانی بیان می‌کرد. او تنها کسی بود که در مجلس شم به سلامت رضاشاه قسم نخورد.

محمد نکوروح: مهندس بازرگان در جلسه افتتاحیه نهضت آزادی ایران در سال ۴۰ گفت ما مسلمان، ایرانی و مصدقی هستیم و سپس مصدقی‌بودن را توضیح داد و گفت: «...مصدقی هستیم و مصدق را از خادمین برترِ افتخارات ایران و شرق می‌دانیم. ما مصدق را به‌عنوان یگانه رئیس دولتی که در طول تاریخ ایران محبوب و مظلوب واقعی اکثریت مردم بود و قدم در راه خواسته‌های ملت برداشته، توصیف بیوند بین دولت و ملت را برقرار سازد و مفهوم

★ هنگامی که مصدق دولت را در اختیار گرفت، برای ادامه مسیر خود دو هدف را مشخص کرد؛ نخست اجرای قانون ملی‌شدن صنعت نفت و دوم اصلاح قانون انتخابات مجلس و شهرداری‌ها و گویا مصدق حتی پیش از نخست‌وزیری‌اش ملی‌کردن صنعت نفت را هدف نهایی نمی‌دانست و مترصد قطع سلطه بیگانه بر کشور ایران بود. آیا می‌توان ملی‌کردن نفت ایران را یک‌هدف اولیه در نگاه دکتر مصدق دانست؟

محمود نکوروح: بله، همین‌طور است. هدف مصدق احیای حاکمیت ملی از دست‌رفته ایران بود. او با آگاهی تاریخی وقتی دید که دستاوردهای مشروطیت و فلسفه وجودی مجلس از بین رفته است، تلاش کرد تا با زنده‌کردن عناصر دموکراتیک، حق مردم برای تعیین سرنوشت خود را تثبیت کند؛ از سوی دیگر نمی‌توانست تحول کند که انگلستان نفت ایران را به یغما ببرد و سعی کرد که قراردادهای نفتی را در قرائند تصویب مجلس بگنجاند. انگلیس می‌خواست ایران را تحت‌الحمایه خود کند و مصدق که در غرب تحصیل کرده بود و کاملا به مبانی حقوقی اشراف داشت، این قاعده را برهم زد. در حقیقت مصدق توانست دست استعمار را از کشورمان قطع کند و برای این هدف تا آخرین لحظه عمرش باز منافع ملت و کشور ایران ایستاد و شاید همین عامل باعث شده است که امروز و بعد از گذر سال‌ها از درگذشت او همچنان نسل در بی نسل به مصدق باور و علاقه داشته باشند. مصدق در زمانی زمینه‌های ملی‌شدن صنعت نفت را فراهم کرد که در انگلستان هم صنعت فولاد، ملی شده بود و او توانست با زیرکی تمام در شورای امنیت سازمان ملل، جهانیان را متقاعد کند که اگر انگلیس می‌تواند صنایع خود را ملی کند، کشورهای جهان سوم هم می‌توانند منابع خودشان را در اختیار بگیرند. او بازی را از دست انگلیس خارج و منافع ملی ایران را تثبیت کرد. حتی باید عمل مصدق را فراتر از کشور ایران دانست زیرا او راهی را گشود تا همه کشورهای جهان سوم بتوانند در مقابل ظلم استعمار سر برآورند و از حقوق خود دفاع کنند. مصدق در برابر بازیگران سیاسی غرب کم نیاورد و بر ملی‌کردن نفت پای فشرد. همه این عوامل دست‌به‌دست هم داد تا هر روز بر دامنه طرفدارانش افزوده شود؛ به‌نحوی که اکنون نیز تصویر او در دانشگاه‌ها بر دستان دانشجویان دیده می‌شود.

فریدون مجلسی: من قدری بدون تعصب با دکتر مصدق مواجه می‌شوم و هیچ‌گاه مرید او نبودم‌اما در غیرحال خدمات مصدق به تاریخ و هویت ایران را نمی‌توانم انکار کنم. او یک مرد بزرگ است اما همچراط از دو تاریخ ایران بسیارند. یعنی این‌طور نیست که هیچ‌کسی نبوده و فقط مصدق به ایران خدمت کرده باشد. مصدق یک ویژگی بارز دارد و آن احیای هویت ایرانی است. او شاهد تجربیات بسیاری بود؛ به‌نحوی که به‌چشم خود دیده بود که چگونه انگلیسی‌ها در آغاز جنگ جهانی اول با جنگ‌ودندان به نفت ایران چسبیدند. با چنین تجربه‌ای به سوئیس رفت و با دنیای غرب آشنا شد و دوباره به ایران آمد و مسئولیت‌های مهمی را به دست آورد. او ورود سردار سپه، تغییر سلطنت و سپس جنگ جهانی دوم را دید و با کودتای ۲۸مرداد سی